

## بیمارستان ارغون کاملی

### شهلا طهماسبی\*

دبیرخانه دایره المعارف پزشکی اسلام و ایران، فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران

املاک بسیار بر آن، از جمله قریه بنش، و یک آسیاب و یک مزرعه در منطقه العمق (کامل الغزی، ج ۲، ص ۸۲). مداوای بیماران به رایگان، تأمین نیازمندیهای درمانی و غذایی از شربت‌ها و داروهای چشم و مرهم‌ها برای بیماران و پزشکان و کارکنان، موسیقی درمانی برای مداوای بیماران روانی، تعیین ناظران شرعی برای اداره امور اوقاف بیمارستان، گماشتن قاریانی که صبح و عصر در آنجا قرآن می‌خواندند و به کار گرفتن خادمان مخصوص برای رسیدگی به دیوانگان از دیگر فعالیت‌های وی بود (همانجا؛ عیسی، ص ۲۵۵؛ طلس، ص ۹۷، پانویس ۱).

بیمارستان کاملی دو در، راهرویی ستون‌دار، چند ایوان و خلوتگاهی برای استراحت بیماران داشت. به نوشته محمد راغب بن محمود راغب طبخ در کتاب اعلام النبلاء (ج ۲، ص ۳۵۴)، در این بیمارستان، اتاقی برای استراحت و اجتماع پزشکان و انبار مواد غذایی و دارویی در نظر گرفته بودند. یک صحن وسیع با دو رواق باریک در شمال و جنوب، قائم بر ستونهای عظیم داشته که پشت رواقها حجره‌های کوچکی مخصوص نگهداری دیوانگان بوده است. در شمال رواقها دهلیز دیگری به دو دهلیز و در فرعی بیمارستان ختم می‌شد. دور تا دور صحن کوچک نیز حجره‌های کوچکی قرار داشت که مخصوص حبس مجانین بود. اطراف حیاط اصلی و کناره حوض میان آن، چند باغچه با انواع گلها برای حظ بصر بیماران تعبیه کرده بودند (نیز- طلس، ص ۹۸، پانویس). در سال ۸۵۴ ق کمال‌الدین معری، قاضی شهر، برای اطراق مکاریها (گاریچی‌ها) در مقابل در اصلی بنا، بنایی موسوم به خان قاضی ساخت که هنوز باقی است. در شمال بیمارستان خانقاهی است که طبق نوشته روی در آن، بانوی عراق دختر

ارغون کاملی، بیمارستان، بیمارستانی در شهر حلب در سوریه، ساخته ارغون بن طیجون کاملی در سال ۷۵۵ ق. امیر سیف‌الدین ارغون کاملی، نایب الحکومه حلب در دوره سلطنت ملک ناصر حسن بن ملک ناصر محمد بن ملک منصور قلاوون از سلسله ممالیک بحری مصر بود (عیسی، ص ۲۵۳، ۲۵۵). ارغون کاملی پیش از تصدی نایب الحکومگی حلب، نایب الحکومه دمشق بود و در سال ۷۵۸ ق در قدس شریف درگذشت و در شمال قدس و در غرب مسجد دفن شد (طبخ، ج ۲، ص ۳۵۴؛ عیسی، ص ۲۵۳).

بیمارستان کاملی، که به بیمارستان جدید حلب نیز شهرت داشته، بنایی عظیم بود با مجالس درس و بخشهای درمانی و قسمتهای متعدد مسکونی برای کارکنان و از حیث وسعت و استحکام بی‌نظیر بود. بنای بیمارستان از لحاظ معماری و هنرهای تزئینی از آثار بزرگ تاریخی دوره اسلامی در سوریه به شمار می‌رود. ارغون کاملی با صرف مال بسیار این بنا را، که در اصل خانه امیری بود، برای پاداش اخروی به صورت یک بیمارستان مجهز در آورد (کامل الغزی، ج ۲، ص ۸۲؛ عیسی، همانجا). بر در بزرگ کنده‌کاری شده بیمارستان، که پیشگاه آن شکاف برداشته و گنبد‌هایش فرو ریخته فرمان سلطان ملک ناصر محمد بن قلاوون به ارغون کاملی برای بنیاد این بیمارستان حک شده است که به تاریخ ۷۵۵ ق است (کامل الغزی، ج ۲، ص ۸۳؛ عیسی، ص ۲۵۵). برخی از کارهایی که ارغون برای بیمارستان انجام داد عبارت‌اند از: استخدام پزشکان بسیار برای مداوای بیماران، به کار گرفتن خدمتکار به عده کافی، تهیه ابزار و وسایل لازم درمانی، جاری کردن آب روان در آن، تعیین مستمری معین برای بیمارستان، و وقف کردن

نجم‌الدین ایوب بن شادی در سال ۵۷۴ ق آن را وقف فرزند خود سیف‌الدین کرده است (کامل‌الغزی، ج ۲، ص ۸۴). در بیمارستان نوشته‌ای در باب موقوفات بیمارستان به تاریخ بهار ۸۲۵، وقف نامه آن و نوشته‌ای به تاریخ ۸۱۰ در لعن کسی که متعرض موقوفات شود یا علیه آن دادخواستی دهد، دیده می‌شود (همان، ج ۲، ص ۸۳). بر در اصلی بیمارستان دو حلقه زیبا از مس زرد نصب بود که به موزه آستانه منتقل شده است. درآمد بیمارستان از قریه بنش نیز در سال ۱۲۸۴ ق به موقوفات جامع کبیر انتقال یافت (طبایح، ج ۲، ص ۳۵۵؛ عیسی، ص ۲۵۸). بیمارستان ارغون کاملی تا اواخر قرن دهم هجری

### منابع

۱. محمد راغب طبایح، اعلام النبلاء بتاریخ حلب الشهباء، چاپ محمد کمال، حلب ۱۴۰۸-۱۴۱۲ / ۱۹۸۸-۱۹۹۲.
۲. محمد اسعد طلس، الآثار الاسلامیة و التاریخیة فی حلب، دمشق ۱۹۵۷.
۳. احمد عیسی، تاریخ بیمارستانات فی الاسلام، بیروت ۱۴۰۱/۱۹۸۱.
۴. کامل بن حسین کامل‌الغزی، کتاب نهر الذهب فی تاریخ حلب، چاپ شوقی شعث و محمود فاخوری، حلب ۱۴۱۲-۱۴۱۳ / ۱۹۹۲-۱۹۹۳.

فعالیت داشت، اما رفته رفته، امور آن مختل و نامنظم شد. در ۱۳۰۲ ق صحن و حوض بیمارستان به فرمان جمیل پاشا مرمت و بازسازی شد (طبایح، ج ۲، ص ۳۵۴). تا سال ۱۳۳۸ ق بیمارستان ارغون کاملی محل نگهداری مجانین و بیماران روانی، با جیره غذایی معین و یک پاسدار و نگهبان مخصوص بود. این بیمارستان پس از انتقال باقی مانده بیماران روانی به بیمارستان غربا، نیمه ویرانه و اقامتگاه بی‌خانمانها شده است (کامل‌الغزی، ج ۲، ص ۸۲-۸۳؛ عیسی، همانجا).